

سرمقاله

ضرورت بازنگری جدی در نحوه مصرف کمک ها

حفیظ الله زکی

نشست وزری خارجه ناتو در بروکسل برای افغانستان مهم می باشد. افغانستانی که امروزه دارای حکومت ضعیف، نیمه مشروع و نامنسجم بوده و مردم آن از فساد، ناامنی، فقر و بیکاری به ستوه آمده اند. حکومت افغانستان در نبود منابع و امکانات ملی و مشکلات متعدد سیاسی، امنیتی و اقتصادی، سخت نیازمند دوام کمک های خارجی به این کشور است. هرچند جامعه جهانی همواره دوام کمک های خود را به مبارزه جدی و صادقانه حکومت افغانستان با فساد اداری، تحکیم ارزش های دموکراسی و ایجاد حکومتداری خسوب و قابل قبول منوط کرده اند؛ اما تا هنوز هیچ یک از شرایط فوق از سوی حکومت افغانستان تحقق پیدا نکرده است. با وجود شعارهای بیشمار که در راستای مبارزه با فساد داده شده است؛ حتی یک گام عملی و جدی در این زمینه از سوی حکومت برداشته نشده و کوچکترین دستاوردی در این عرصه نداشته است.

ایجاد کمیسیون های متعدد و هزینه بر، جز این که بر پیچیدگی مسأله فساد افزود و مبارزه با این پدیده را دشوارتر کرد، دستاورد ملموس و مؤثری برای کاهش فساد نداشت. با این حال حکومت ناچار است که در همه کنفرانس های بین المللی از تعهد خود برای مبارزه فساد یاد آور شود و از جامعه جهانی نیز خواهان کمک و همکاری در این زمینه گردد.

کشورهای بزرگ کمک کننده در افغانستان با اطلاع کامل از وضعیت نابسامان افغانستان، ناچار است که کمک های شان را به افغانستان ادامه دهند؛ زیرا برآوردن افغانستان به چنگ گروه های تروریستی بارگرم این کشور را به لانه تروریستان بین المللی تبدیل می کند که در آن صورت برای امنیت منطقه و جهان یک منبع تهدید به شمار خواهد آمد. جامعه جهانی مجبور است علیرغم همه ضعف ها و ناتوانی ها از وضعیت موجود در کشور حمایت کرده و اجازه ندهد که اوضاع این کشور از این هم وخیم تر گردد.

از طرف دیگر جامعه جهانی درست است که میلیاردها دالر را در سال های گذشته به افغانستان کمک کرده است؛ اما این کمک ها از سوی خود این کشورها بی مورد به مصرف رسیده و چه بسا حیف و میل شده است. جامعه جهانی در تعقیب و گسترش فساد و هدر رفتن کمک ها در افغانستان نقش اساسی داشته است. کشورهای کمک کننده و بخصوص اعضای ناتو در به وجود آمدن وضعیت موجود بی تقصیر نیستند. عملکرد ضعیف و سیاست های ناهماهنگ آنها سبب شد تا حجم وسیعی از کمک های بین المللی در امورات زیربنایی به مصرف نرسد و کمک ها اغلب در نیازمندی های روزمره و امورات غیرضروری هدر داده شود.

اگر جامعه جهانی از ابتداء یک طرح جامع و همه جانبه بازسازی را با توجه به شرایط و مقتضیات افغانستان، تهیه می کردند و مطابق آن پالیسی های خود را به پیش می بردند، افغانستان پس از چهارده سال، یک باره در تنگنای فقر و بیکاری و مشکلات بودجی گرفتار نمی آمد. اگر جامعه جهانی سیاست واحد و منسجمی را برای مبارزه با تروریسم در پیش می گرفتند و یک تعریف جامع از تروریسم ارائه می دادند؛ دامنه ناامنی امروز سراسر افغانستان را در بر نمی گرفت و آتش جنگ در همه قریه ها و ولسوالی ها شعله ور نمی شد. در پدید آمدن وضعیت فعلی تنها حکومت افغانستان مقصر نیست؛ بلکه جامعه جهانی خود سهم اصلی و محوری را در این زمینه داشته است. به این خاطر جامعه جهانی نمی تواند خود را از معضلات و نابسامانی های افغانستان به دور نگه دارد و تمامی کوتاهی ها را به حکومت افغانستان نسبت دهد.

به هر حال تعهد دوامدار اعضای ناتو می تواند این امیدواری را تقویت کند که افغانستان همچنان از حمایت جامعه جهانی برخوردار است. افغانستان همچنان فرصت دارد تا در سایه کمک ها و حمایت های جامعه جهانی، گذشته را جبران کرده و گامهای اساسی مهمی را برای پیشرفت و توسعه اقتصادی، مبارزه با فساد و ایجاد حکومتداری خوب و سالم بر دارد. افغانستان هم باید بداند که کمک های بین المللی دایمی نیست و روزی این کمک ها قطع خواهد شد؛ بنابراین نیاز است تا در چگونگی مصرف کمک ها نهایت دقت صورت بگیرد.

دربوز نشست بروکسل با شرکت وزرای خارجه کشورهای عضو ناتو و افغانستان برگزار شد. در این نشست نینس ستولنتبرگ، سرمنشی عمومی ناتو از حمایت امنیتی، اقتصادی و سیاسی این سازمان به افغانستان سخن به میان آورد.

این نشست زمینه ساز نشست وارسا است که قرار است دو ماه بعد برگزار شود که سران کشورهای عضو ناتو و افغانستان در آن شرکت خواهد کرد. نشست بروکسل در حالی برگزار شده است که افغانستان در لبه پرتگاه قرار گرفته است. وضعیت امنیتی رو به وخامت است. گروه طالبان حملات خود را گسترش داده است. اقتصاد کشور به رکود مواجه شده است. ثبات سیاسی شکننده و مشروعیت حکومت مرکزی زیر سوال رفته است. در چنین وضعیتی کمک های خارجی تنها مایه امید برای مردم افغانستان و حکومت مرکزی است. حرکت به شکل کنونی ما را به کجا خواهد رساند. از آنجایی که کمک های جامعه جهانی طولانی مدت نیست این سوال جدی و بنیادی است؟ در نوشتار کنونی سعی می کنم این مسئله را مورد بررسی قرار دهم.

از آغاز حملات ایالات متحده آمریکا و کشورهای عضو ناتو به افغانستان و سقوط امارت اسلامی طالبان افغانستان همواره در محراق توجه جامعه جهانی بوده است. کشورهای عضو ناتو میلیاردها دالر به افغانستان کمک نمودند. با وجود کمک های جامعه جهانی، افغانستان تقریباً دست نخورده باقی مانده است. اگر چه دست آورد های یک و نیم دهه گذشته را نمی توان انکار کرد با این حال در وضعیت کنونی همه چیز شکننده است. وضعیت به گونه ای است که دستاوردهای یک و نیم دهه گذشته در خطر جدی قرار دارد. اگر کمک های بین المللی به افغانستان ادامه یابد بعید به نظر می رسد که در افغانستان تغییر بنیادی و جدی اتفاق بیافتد. زیرا، ما با چند مشکل جدی مواجهیم که کمک های جامعه جهانی یا هدر می رود و یا وجود گروه های شورشی باعث می شود که کمک

نگاهی به عوامل هدر رفتن کمک های جامعه جهانی

رحیم حمیدی



ایجاد نموده است منجر به پیچیدگی و چند لایه شدن فساد شده است. حکومت رئیس جمهور غنیی در آغاز اقدامات جدی برای مبارزه با فساد روی دست گرفت. قضیه کابل بانک را بیکار دیگر روی میز آورد. اما، گذشتت زمان نشان داد که رفتارهای رئیس جمهور پیش از آن که جدی و بنیادی باشد بیشتر نمایشی و برای جلب افکار عمومی و کسب مشروعیت از مردم است. به همین خاطر، با گذشتت زمان ما کمتر شاهد اقدامات و رفتارهای روزهای نخست رئیس جمهور می باشیم. بنابراین، اکنون روند مبارزه با فساد در حکومت رئیس جمهور غنی همانند روند مبارزه با فساد در حکومت رئیس جمهور کرزی می باشد. در آینده نیز کمک های که صورت خواهد گرفت بعید به نظر می رسد که به صورت درست استفاده شود.

ایجاد نموده است منجر به پیچیدگی و چند لایه شدن فساد شده است. حکومت رئیس جمهور غنیی در آغاز اقدامات جدی برای مبارزه با فساد روی دست گرفت. قضیه کابل بانک را بیکار دیگر روی میز آورد. اما، گذشتت زمان نشان داد که رفتارهای رئیس جمهور پیش از آن که جدی و بنیادی باشد بیشتر نمایشی و برای جلب افکار عمومی و کسب مشروعیت از مردم است. به همین خاطر، با گذشتت زمان ما کمتر شاهد اقدامات و رفتارهای روزهای نخست رئیس جمهور می باشیم. بنابراین، اکنون روند مبارزه با فساد در حکومت رئیس جمهور غنی همانند روند مبارزه با فساد در حکومت رئیس جمهور کرزی می باشد. در آینده نیز کمک های که صورت خواهد گرفت بعید به نظر می رسد که به صورت درست استفاده شود.

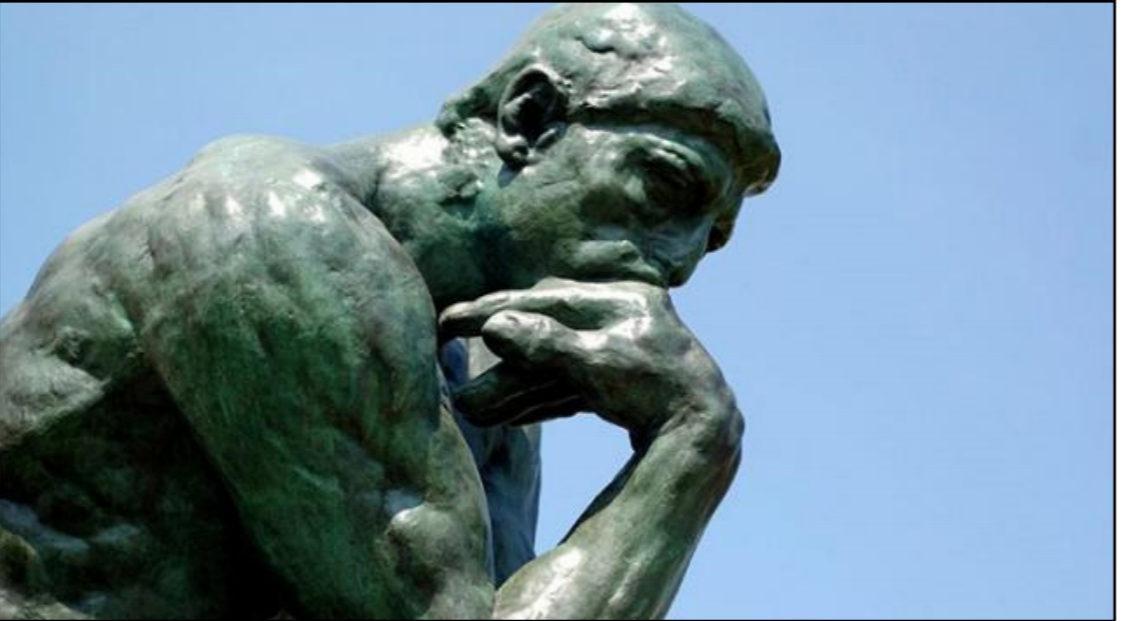
این مسئله عامل دیگر در هدر رفتن کمک ها است. این در حالی است که مناطق امن کشور دست نخورده باقی مانده است و هیچ کار بنیادی صورت نگرفته است. تا هنوز رویکرد کمک اقتصادی و مالی بیشتر به مناطق ناامن وجود دارد. بنابراین، بعید به نظر می رسد که کمک های جامعه جهانی در آینده بتواند تحول جدی به بار آورد.

کشت تریاک با قدرتمند شدن گروه طالبان پشت عمیق دارد. براساس مطالعات صورت گرفته، گروه طالبان بیش از ۴۰ درصد نیازهای مالی و اقتصادی خود را کشت، فروش و قاچاق مواد مخدر به دست می آورد. این در حالی است که مبارزه با کشت و قاچاق مواد مخدر عملاً به بن بست مواجه شده است. یک و نیم دهه گذشته مبارزه با کشت تریاک و قاچاق آن ره به جایی نبرده است و افغانستان همچنان بیشترین مواد مخدر دنیا را تولید می کند. گروه طالبان و دیگر گروه های شورشی همچنان از کشت و قاچاق مواد مخدر سود می برد و به حیات خود ادامه می دهد. از این جهت، می توان گفت که تا زمانی که گروه طالبان و قاچاق مواد مخدر وجود دارد گروه طالبان و قاچاق مواد مخدر وجود خواهد داشت و در طرف دیگر کمک های جامعه جهانی هدر خواهد رفت.

مسئله این نیست که کشورهای کمک کننده دیگر به افغانستان کمک نمایند بلکه مسئله این است که چگونه می توان عامل هدر رفتن کمک ها را از میان برداشت. چگونه می توان فساد را از بین برد و یا کاهش داد. چگونه می توان گروه طالبان را وادار به مذاکسه و گفتگو نمود و یا آن چنان سرکوب نمود که قادر به ایستادن دوباره نباشد و در نهایت اینکه چگونه می توان از کشت و قاچاق مواد مخدر جلوگیری کرد. کشورهای کمک کننده در کنار اینکه افغانستان حمایت امنیتی، اقتصادی و سیاسی می نماید لازم است که توجهی به این موارد نیز داشته باشد تا کمک های آن ها منجر به تحول و دگرگونی در افغانستان شود.

نسبت قوانین منطق با قوانین طبیعت

پیتر میتل اشتات، برگردان: علیرضا محمدی/قسمت ششم



ذهن انسانی هستند که آنها را بر مبنای طبیعت طراحی می کنند. در هر صورت ما نسبی توایم این نگاه سوپزکتیو یا ایده آلیست را درباره قوانین طبیعت بسپذیریم، در رابطه با قوانین منطق کانت متذکر می شود که فقط اصل عدم تناقض از نظر او که همه قوانین دیگر منطق می توانند به آن تحویل شوند و بسیان می دارد که این قوانین تحلیلی هستند. اولین تحویل به طور تئوریک برهان درستی نیست، و به طور دلالت شناسانه هیچ انتخابی از یک اصل به وسیله تمایز و تحدیدی وجود ندارد. دومین قابل فهم است، از این رو کانت منطق را به عنوان قیاس گرایی می فهمید (و به طور آشکارا هیچ شناختی از گسترش بیشتر منطق در رواقیان، اسکولاستیک و لایب نیتز نیز نداشت) اما هر وجه قیاس گرایانه مجبور بود از این اصل پیروی کند که محمولات در نتیجه (حد موضوع و حد محمول) در محمولات مقدمات لحاظ شده اند. (حد موضوع، حد محمول وحد وسط) و این فقط مفهوم کانتی به دست آمدن (آشکار شدن و پیدا شدن) نتیجه از مقدمات است که او تحت عنوان تحلیلی توضیح می داد، به کار گرفتن «شرایط تحلیلی» قیاس ها در منطق گزاره ای مستلزم آن است که هیچ متغیر گزاره ای در نتیجه نباشد (در نتیجتاً یک استلزام معتبر) که قبلاً در مقدمات نباشند این یک معیار ربط جالب است که معیار ارسطویی ربط نامیده می شود و در جای دیگر بحث شده است. برای بخش تئورسازی PL1 یک استلزام قیاسی تحلیلی مناسب نیست. این رو آن از اینکه حدهای جدیدی معرفی کند منع شده است، یعنی تعمیم وجودی قالب و بسیاری انواع مشابه دیگر در منطق نسبت می باید ممنوع شده باشد.

مکانیک کلاسیک یا کوانتوم فرمول بندی شده هست نمی باشد. این ساختارها قوانین صحیح طبیعت نیستند و آنها نمی توانند به وسیله شواهد تجربی داخل دامنه کاربردشان ابطال شوند. (۴) پاسخ به اعتراضات: این درست است که قوانین منطق قابل اجرا برای هر موضوعی هستند و با علوم طبیعی و در نتیجه نسبت به هدی موضوعاتی که به وسیله قوانین طبیعت توصیف و قاعده مند شده اند، و به علاوه آنکه این اعتراضات از قوانین منطق بیرو می کنند. ولی از این نظر این معنا را نمی دهد که قوانین منطق، قوانین طبیعت هستند. از این رو همان طور که در پاسخ گفته شد، نامهای «قانون منطق» و «قانون طبیعت» از دامنه کاربردشان گرفته نشده اند و نه فقط قوانین منطق قوانین طبیعت می باشند بلکه قوانین طبیعت هم چنین قواعد اخلاق هم می باشند. زیرا اعمال انسانی از قوانین طبیعت پیروی می کند. بنابراین، این نامها، «قوانین منطق»، «قوانین طبیعت»، «دامنه های صحیح مخصوص خود رشته هایی گرفته شده اند که مختلف هستند. نقل قول از کانت این ادعای غلط را نمی سازد که قوانین منطق قوانین طبیعت هستند. آن ادعا می گوید که قوانین منطق برای همه موضوعات قابل اجرا هستند. اما یک مشکلی همراه نظریه قوانین کانت به طور کلی وجود دارد. آیا او فکر می کند که یک قانون منطق پیشینی فقط قوانین ساختار پیشینی فکر ما هستند. از این روه روشی قیاسی ادعا می کند که «قوانین طبیعت» فقط یک قوانین (ساختارهای

سه علامت فیزیکی با سه متغیر مختلف نتیجه شود. همین مسئله برای سایر قوانین علوم تجربی مثل قوانین شیمی یا زیست شناسی نیز وجود دارد. یک ملاحظه ای قیاسی در رابطه با ریاضیات می تواند صورت بگیرد. تا زمانی که اصطلاحات آن یک تعبیر فیزیکی نداشته باشند از طرف دیگر جایگزین کردن اصطلاحات فیزیکی در معادله شرو دینگر shrodinger به وسیله متغیرهای متناهی فیزیکی به یک قانون ریاضیات ختم نخواهد شد بنابراین دامنه های ریاضیات عنوان هستونندهای دامنه کاربرد ریاضیات شمرده می شوند. ولی همان طور که در بالا گفته شد «قانون منطق» «هم چنین» «قانون ریاضیات» از دامنه ای کاربردشان گرفته و اقتباس نشده اند و از دامنه صحیحشان گرفته شده اند. به پیروی از ملاحظات بالا روشن است که دامنه صحیح منطق به روشنی می تواند از دامنه علوم طبیعی تشخیص داده شود. قوانین منطق و قوانین طبیعت دامنه صحیح مشترکی ندارند. این مسئله می تواند خود را در کاربردهای علمی پنهان کند. بنابراین این اتفاق خواهد افتاد که یک قانون مخصوص فیزیک واقعاً یک قانون طبیعت نباشد ولی صرفاً یک قانون منطقی جامه می سپدل یک قانون فیزیکی را می پوشد. در بسیاری از زمینه های فیزیکی ما می توانیم ساختارهای فرموله شده ی منطق را در اصطلاحات علوم فیزیکی پیدا کنیم. برای مثال ساختارهای جبری وضیعت های پایدار در مکانیک کوانتوم و کلاسیک چیز دیگری جز جبر lindenaum-Tarski حسابان منطق گزاره ای که در اصطلاحات

نام های، قوانین منطق، «قوانین طبیعت» از دامنه منطق و از دامنه علوم طبیعی اتخاذ شده اند ولی آنها از دامنه کاربردشان اتخاذ نشده اند بنابراین هر چند قوانین هر عالم A که در علم دیگری مثل B به کار گرفته شده است که نمونه های آن متغیر می توانند الفاظ یا نمادهایی باشند برای ذواتی که متعلق به حوزه های مشخص یک عالم خاص B هستند و چنین قانونی علم خاص B نیست. بنابراین هر چند متغیرهای X-X ممکن است به عنوان علامی برای هستونندهای فیزیکی تعبیر شوند هر کدام از ذوات (هستونندهای) منفرد که باشند مثل ذره های ابتدایی یا نمونه های انتزاعی مثل توده ها یا زمینه ها و هم چنین هستونندهای فیزیکی از این قانون پیروی می کنند. با این حال این قانون می تواند هرگز یک قانون علم فیزیک نباشد. یک دلیل عمده آن است که همه قوانین منطقی، هر ساختار تجربی سازگار را مستثنی نمی کند، ولی هر قانون فیزیک (و طبیعت) این کار را می کند. از طرف دیگر هیچ قانون فیزیک (و طبیعت) نمی تواند یک قانون منطق باشد. این به علت آن است که هیچ قانون فیزیکی نمی تواند، به این طریق با جایگزین کردن اصطلاحات فیزیکی به وسیله متغیرهایی که ما یک قانون منطقی قرار دادیم، به صورت جهانی درآید. این مسئله این معنا را می دهد که هیچ قانون فیزیکی یک مثال جایگزینی شده از یک قانون منطق نیست. بنابراین یک قانون فیزیکی مثل (F=ma قانون دوم نیوتن) هر چند به طور قطع از قانون اینهمانی X-X و صدق آن F=F پیروی می کند، نمی تواند در یک قانون منطقی به وسیله جایگزین کردن

کارتون روز نگاه روز. A cartoon illustration of a man in a cap and glasses holding a sign that says 'عدالت برای همه' (Justice for all). The man is standing inside a large lightbulb. The text 'کارتون روز' is at the top right, and 'نگاه روز' is at the bottom right.

Footer section containing contact information for The Daily Afghanistan and Outlook Afghanistan. It includes the website www.dailyafghanistan.com, email thedailyafghanistan@yahoo.com, and phone numbers for Kabul and Herat. It also features the logo for Outlook Afghanistan and the Daily Afghanistan logo.